

چه کسانی پاسخ گوی فشار بر کارگران و معلمان هستند؟



مادران پارک لاله ایران

همبستگی جهانی حامیان مادران پارک لاله

امسال در آستانه روز کارگر و معلم شاهدیم که هزاران تن از کارگران و معلمان میهن مان، شغل خود را از دست داده اند و هر روز تعداد بیشتری از کارگران و معلمان از کار اخراج یا با تعطیلی کارخانه ها و مراکز فرهنگی یا با تعدیل نیروی انسانی به صف بیکاران می پیوندند. طبق اظهارات دبیرکل خانه کارگر، در سال گذشته یکصد هزار کارگر از کار اخراج شده اند.

امسال روز جهانی کارگر و روز معلم را در حالی گرامی می داریم که از یک طرف شاهد آزادی سرافرازانه ابراهیم مددی و منصور اسانلو از اعضای هیات مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی و پدram نصراللهی و فرزاد احمدی از فعالان کارگری در تهران و هاشم خواستار از اعضای کانون صنفی معلمان در مشهد هستیم و از طرف دیگر به شدت نگران احکام اعدام تایید شده از جمله حکم اعدام عبدالرضا قنبری معلم دبیرستان یکی از مدارس پاکدشت هستیم.

همچنین تعدادی از کارگران، فعالان حقوق کارگری و معلمان عزیزمان از جمله: رضا شهابی عضو هیأت مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و رسول بداغی، عضو هیأت مدیره کانون صنفی معلمان ایران هر یک به ۶ سال زندان و ۵ سال محرومیت از فعالیت اجتماعی محکوم شده اند. کارگران و فعالان کارگری دیگری همچون شاهرخ زمانی، علی اخوان، علی نجاتی، ساسان واهبی واش، محمدحسینی، مهدی فراخی شاندیز، مهرداد امیر وزیری و معلمانی چون عبدالله مومنی، علی پور سلیمان، رسول بداغی و محمد داوری و ... در زندان به سر می برند و نبی الله باستان معلم زحمتکش به ۵ سال تبعید در بروجرد محکوم شده است.

امسال در آستانه روز کارگر و معلم شاهدیم که هزاران تن از کارگران و معلمان میهن مان، شغل خود را از دست داده اند و هر روز تعداد بیشتری از کارگران و معلمان از کار اخراج یا با تعطیلی

کارخانه ها و مراکز فرهنگی یا با تعدیل نیروی انسانی به صف بیکاران می پیوندند. طبق اظهارات دبیرکل خانه کارگر، در سال گذشته یکصد هزار کارگر از کار اخراج شده اند.

هر سال که می گذرد؛ تنگنایهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بر مردم ایران بیشتر می شود و باز شاهدیم که کارگران و معلمان برای یک اعتراض ساده سندیکایی و صنفی به زندان های طولانی مدت محکوم می شوند و خانواده های آنان و فرزندان شان در بدترین شرایط معیشتی و روحی - روانی به سر می برند.

در کنار این خبرها، انتصاب سعید مرتضوی مسئول جنایات کهریزک به ریاست سازمان تامین اجتماعی، یکی از حساس ترین سازمان های کشور که ارتباط تنگاتنگی با اکثریت نیروی کار کشور دارد، بسیار نگران کننده است. انتصاب وی به عنوان رئیس سازمان تامین اجتماعی توهین بزرگی به خانواده هایی است که فرزندان شان در زندان کهریزک مورد شکنجه قرار گرفته یا کشته شدند و خواستار محاکمه آمران جنایات کهریزک، به خصوص فرد مذکور شدند.

در ادامه این سیاست، هر لحظه اخبار ناراحت کننده دیگری در مورد افزایش احکام اعدام و احکام سنگین برای دگراندیشان و همین طور کارگران و معلمان زندانی به گوش می رسد.

فشار اقتصادی بر مردم بیداد می کند و هر روز این فشارها بیشتر و بیشتر می شود، تا جایی که مردم را از حق یک زندگی انسانی و شرافتمند محروم کرده اند. اینکه علت و چرایی این بحران و تورم و گرانی و اختلاف طبقاتی و تبعیض و رانت های اقتصادی و بیکاری و غیره و غیره چیست، موضوع مورد بحث ما نیست. ما از زاویه دیگری بدان می پردازیم. ما به نقض حقوق بشر، به بی عدالتی، به تبعیض و به پایمال کردن حقوق انسانی اعتراض داریم. ما می گوئیم همه مردم از پیر و جوان و زن و مرد حق انتخاب نوع زندگی خود را دارند، حق تشکل دارند، حق اعتراض دارند، حق امنیت شغلی دارند، حق انتخاب دوست دارند، حق کار، حق تحصیل، حق سفر و حق انتخاب کردن و انتخاب شدن و حق یک زندگی آزاد و بدون تبعیض و انسانی دارند. ما می خواهیم بدانیم:

- چرا کارگر و معلم نمی تواند از حقوق انسانی و صنفی خود دفاع کند؟

- چرا با یک اعتراض ساده از کار برکنار می شوند یا به زندان می

افتند؟

- چرا پس از بیکاری هیچ مقام مسئولی پاسخ گوی شکایات آنان نیست؟
- چرا خانواده و فرزندان شان این چنین مورد ظلم و تعدی قرار می گیرند؟

- چرا اغلب کارفرمایان و دولت با قراردادهای موقت کار و نظام حق تدریسی، کارگران و معلمان را از داشتن امنیت شغلی محروم می کنند؟

- آیا اجرای عدالت یعنی قضاوت و مدیریت سعید مرتضوی ها و کشتن و حذف فرزاد کمانگرها؟

اینها و هزاران چرای دیگر سال هاست که در گوشه و کنار کشورمان به اشکال مختلف در فضای واقعی و زندگی روزمره کارگران و معلمان رو در رو با کارفرمایان و حکومتی ها و همچنین در فضای مجازی در سطحی گسترده در سراسر دنیا مطرح می شود، ولی هیچ مقام مسئول و عدالت خانه ای نیست که پاسخ گو باشد.

اینکه کارگران و معلمان اخراج می شوند یا به زندان می افتند یک بُعد مساله است، بُعد دیگر مشکلاتی است که آنها و خانواده و فرزندان شان را گرفتار می کند. از بیکاری، از نبود تأمین اجتماعی، از در به دری، از حراج خانه و کاشانه، از خودکشی و ...

ذکر چند نمونه کافی است که به عمق این فاجعه انسانی و بی عدالتی پی ببریم. متأسفانه اخبار خودکشی کارگران در اثر فقر و اخراج از کار هر لحظه بیشتر به گوش می رسد:

۱- "صبح روز یکشنبه ۲۴مهر محسن احمدیان کارگر تولید لبنیات شیران در شهر کرد دست به خودکشی زد. این کارگر به علت فقر شدید مالی و عدم دریافت حقوق، خود را از ساختمان اداری این کارخانه به پایین پرتاب کرد و در دم جان سپرد."

۲- "مصطفی علیزاده، کارگر قسمت رنگ گروه بهمن (مزدا)، بعد از ظهر ۱۲ بهمن ۹۰ در محوطه کارخانه دست به خودکشی زد و جان باخت. علت خودکشی مصطفی علیزاده قرار داشتن نام او به همراه تعداد دیگری از کارگران در لیست اخراج پایان سال بوده است."

۳- "منصور زارعی کارگر اخراجی کارخانه نساجی کردستان که حدود ۴۲

سال سن داشت و بیش از ۱۵ سال در شرایط سخت و زیان آور کارخانه نساجی در قسمت ریسندگی کار کرده بود. او به علت بیکاری و فقر ناشی از آن، در روز دوشنبه ۱۵/۱۲/۱۳۹۰ خودکشی کرد و به زندگی دشوار خود پایان داد.

۴- "حسن وکیلی کارگر سنگ بر اهل شهر سنندج که حدود ۴۰ سال سن داشت و دارای زن و دو فرزند نیز می باشد، در اولین روز از سال ۹۱ به دلیل فشار زندگی در منزل خود واقع در محله عباس آباد این شهر خودکشی کرد و به زندگی دشوار خود پایان داد."

ما مادران پارک لاله، ضمن تاکید بر سه خواسته همیشگی خود، از حقوق و خواسته های انسانی کارگران و معلمان دفاع می کنیم و خواستار لغو فوری احکام اعدام و آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی زندانیان کارگر و معلم هستیم.

ما هر گونه فشار بر کارگران، معلمان، دانشجویان، وکلا، فعالین حقوق بشر، اقلیت ها، زنان، کودکان و مادران پارک لاله و حامیان آنها را که برای اعتراض به ابتدایی ترین حقوق خود مورد تعرض قرار گرفته اند، به شدت محکوم می کنیم.

هم چنین بازداشت خودسرانه نرگس محمدی، نایب رییس کانون مدافعان حقوق بشر که با داشتن دو فرزند کوچک و بیماری شدید، هیچ گاه دست از تلاش برای اعتلای حقوق انسانی بر نداشت را نیز محکوم می کنیم و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط او و تمامی زنان و مردان آزادی خواه کشورمان ایران هستیم.

مادران پارک لاله ایران

همبستگی جهانی حامیان مادران پارک لاله

اردیبهشت ماه ۱۳۹۱